

قمه‌زنی؛ عزاداری یا خرافه؟

احمدعلی قانع^۱، محمدرضا فتح‌الله بیاتی^۲

چکیده

حماسه عاشورا در کربلا از حماسه‌های جاودان خلقت است که در راستای هدایت انسان‌ها توسط خداوند متعال در خلال اختیار انسان‌ها طراحی شده است و عزاداری احیای این حماسه انسان ساز است. اگرچه مصادیق عزاداری توسط عرف مردم در هر عصر تعیین می‌شود، اما این عرف نباید با اصول و مبانی عقلی و نقلی تعارض داشته باشد. در این مقاله قمه‌زنی به‌منزله روشی که نه تنها عرف اندیشمندان آن را تأیید نمی‌کنند، بلکه عمل بدعت و خرافی که هیچ دلیل استواری آن را حمایت نمی‌کند معرفی می‌شود. شبه ادله‌ای که طرفداران اندک این عمل برای خود دارند معرفی شده و مورد نقد قرار می‌گیرند و ادله فقهای عظام مبنی بر بدعت بودن، مصادق اضرار و ایذاء نفس، وسیله وهن و تضعیف مذهب و دین و سوءاستفاده دشمنان به‌مثابه ادله حرمت این عمل معرفی شده است. کلمات و فتاوی جمع قابل توجهی از فقهای حال و گذشته به‌منزله مؤید این فتوی آورده شده و درنهایت به انعکاس این عمل خرافی در سایت‌ها و فیلم‌ها و رسانه‌های دشمنان پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی

قمه‌زنی، عزاداری، حرمت قمه‌زنی، وهن مذهب، اضرار نفس، خرافه، بدعت.

تاریخ پذیرش: دی ۹۳

تاریخ دریافت: مرداد ۹۳

4ghane@gmail.com

۱. استادیار دانشگاه امام صادق^(ع)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق^(ع)

❖ مقدمه

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره/۱۷۰)

(و چون به آن‌ها گفته شود: از چیزی که خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: [نه] بلکه از آنچه پدران خویش را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافته بودند [باز پیروی می‌کنند])

خداوند متعال آفریننده جهان هستی و از جمله انسان و سیر او در عالم خاکی و سپس برزخ و به دنبال آن قیامت است. راه تکامل از این معبر می‌گذرد و چاره‌ای جز آن نیست. راه تکامل با اراده و اختیار انسان‌ها در سایه هدایت عقل و وحی اجرائی می‌شود. داستان عاشورا و کربلا و شهادت امام حسین^(ع) و اسارت اهل بیت او (علیهم السلام) و شهادت جمعی از اهل بیت و اصحاب حضرت همه در سناریوی واقعی تاریخ حیات انسان نگارش شده بود و همه پیامبران الهی از این قضیه خبر داشتند. عزاداری راهی برای ارج‌گذاری و احیاء و بهره‌بری از این واقعیت طراحی شده خلقت است. پس در مورد اصل عزاداری تردیدی نیست و لزوم آن در نزد آگاهان به دین و مذهب از جمله بدیهیات است، اما اینکه آیا قمه‌زنی می‌تواند مصداقی از مصداق عزاداری به شمار آید و یا نمونه‌ای از خرافاتی است که در قرن اخیر یا دو قرن اخیر از سوی برخی از انسان‌های ناآگاه جلوه کرده موضوع این مقاله است.

اگرچه درباره آنچه اشاره کردیم کتاب‌های متعددی نگارش شده که نام آن‌ها در کتابنامه آمده است، اما تلخیص و جمع‌بندی و آوردن چکیده کتاب‌ها در حد یک مقاله برای آشنایی بیشتر نسل جوان دانشگاهی لازم است.

«محقق ارجمند استاد رسول جعفریان در این باره می‌گوید: پرسیده‌اند قمه‌زنی و سینه‌زنی از کجا شروع شده است؟ حقیقت این است که دو-سه احتمال هست. یکی نظر جدی این است که بخش‌هایی از صورت‌های عزاداری از هند آمده است. تشیع در زمان صفوی به هند رفت و در برگشتش از بندر بوشهر و شیراز وارد ایران شد. در مورد لبنان هم همین طور است. در نبطیه نص داریم که یک عالم شیعه گفته یک عده ایرانی این جا آمدند و یک رسم و رسوم خاصی در عزاداری دارند که جلوی اینها باید گرفته شود. این عبارت مال اواخر زمان قاجار است... عزاداری ریشه‌اش از خود ائمه^(ع) است؛ ولی شکل عزاداری عرب‌ها به‌گونه دیگری است. شکل عزاداری

ایرانی‌ها بعدها به‌وجود آمد. راجع به سینه‌زنی و قمه‌زنی، تاریخش به بیشتر از اواخر قاجاریه نمی‌رسد.... یکی از دلایل این است که فتاویی که از علما داریم همه‌اش مال اواخر قاجاریه است.» (مسائلی، ۱۳۸۶: ۲۱)

«اما اگر بخواهیم به یک جمع‌بندی میان این دو نظریه دست یابیم باید گفت که ریشه‌های این گونه عزاداری از زمان صفویه نشئت می‌گیرد، ولی در آن زمان نیز این اعمال نه به‌صورت کنونی، بلکه به‌صورت فردی و بسیار محدود و بی‌ضابطه انجام می‌گرفته است. و خواستگاه آن نیز معمولاً شهرهایی بوده است که دراویش و صوفیه در آن نفوذ بیشتری داشته‌اند.» (همان: ۳۳).

خطیب منبر حسینی شیخ احمد وائلی می‌گوید:

برخی خواسته‌اند در مقابل اقبال زیاد مردم به دین، دین را از محتویات خود خالی کرده و آن را به معانی ظاهریش بکشانند به‌جای توجه به افکار و آراء و فرمایشات پیامبر(ص) و ائمه^(ع) به‌دنبال موی پیامبر در موزه و عصای او برای تبرک و باشند و به‌جای مغز و ریشه دینی به امور ظاهری بپردازند و کم‌کم اصل دین را به‌تحریف بکشانند (غریفی، ۱۴۱۵: ۸۰).

خوشبختانه در طول قرن‌های اخیر دانشمندان اسلامی فقهای عظام در مقابل بدعت‌ها و خرافاتی مثل قمه‌زنی ایستاده و عالمی را نمی‌توان معرفی کرد که درعمل به‌این کار اقدام کرده باشد و یا فتوای صریح بر جواز آن داده باشد.

مقاله حاضر در چهارفصل به‌این موضوع می‌پردازد:

در فصل اول، شبه ادله‌ای که مجوزان قمه‌زنی بدان پرداخته‌اند نقل و نقد می‌شود.

در فصل دوم، ادله فقها مبنی بر حرمت این کار ارائه می‌شود.

در فصل سوم، کلمات و فتاوی فقها در قرن اخیر در این خصوص نقل و درنهایت در فصل

چهارم انعکاس این عمل ناروا در رسانه‌ها بیان می‌شود.

بیان ادله قائلان به جواز قمه‌زنی و پاسخ به آن‌ها:

سر به محمل کوبیدن حضرت زینب(س):

قمه‌زنان به این روایت دروغ استناد کرده و می‌گویند: اگر قمه‌زنی و سر شکافتن در عاشورا و عزای سیدالشهدا جایز نیست، پس چرا حضرت زینب^(س) سرش را به چوب محمل کوفت و سر و صورت خود را آغشته به خون کرد و باتوجه به حضور امام سجاد^(ع) و عدم نهی ایشان، سکوت امام نمی‌تواند تأیید عمل ایشان باشد؟

پاسخ:

اما اصل ماجرا به گونه‌ای دیگر است: فردی به نام «مسلم جصاص (گچکار)» نقل می‌کند: به هنگامی که در حال بازسازی دروازه اصلی شهر کوفه بوده هیاهویی می‌شنود و به سمت هیاهو حرکت کرده و می‌بیند که اسرای واقعه عاشورا در کجاوه بودند و در این هنگام سر بریده امام حسین (ع) را بالای نیزه بردند که حضرت زینب با مشاهده سر بریده برادر، سر خود را از فرط ناراحتی به چوب محمل می‌کوبد، چنانچه خون از زیر مقنعه‌اش جاری شد و با چشم گریان اشعاری را قرائت کردند (ناسخ التواریخ، جلد ۶: ۵۴ به نقل از مسائلی، ۱۳۸۶: ۲۶)

علاوه بر اینکه به اصل ماجرا باید دقت کرد باید بیان کنیم که این مطلب برگرفته از کتابی به نام «نورالعین فی مشهد الحسین» است که برای نخستین بار دویست سال پیش یعنی در سال ۱۲۹۸ ق در مصر چاپ شده است. که نویسنده آن مشخص نیست و تنها به ابراهیم بن محمد نیشابوری اسفراینی نسبت داده می‌شود که شخصی اشعری مذهب و شافعی مسلک بود. همه نویسندگانی که در عاشورا پژوهی با تأمل و تحقیق قلم زده‌اند به ساختگی و غیرمستند بودن این کتاب تصریح کرده‌اند. چنانچه شهید قاضی طباطبایی آن را «از کتب بسیار ضعیف و غیرقابل اعتماد» و «مجموعه و ضعیفه و مجهول المؤلف» وصف کرده و نوشته «مقتل اسفراینی پر از جعلیات و نقلیات قصه سرایان است» (مسائلی، ۱۳۸۶: ۲۸).

محدث بزرگوار شیخ عباس قمی صاحب مفاتیح الجنان در مورد این خبر این گونه بیان می‌کند: نسبت شکستن سر به جناب زینب (س)، بعید است از آن مخدره که عقیده هاشمیین و عالمه غیرمعلمه و رضیعه نبوت و صاحب مقام رضا و تسلیم است (شیخ عباس قمی، ۱۴۰۹: ۷۵۳). از بیان فوق مشخص شد که الگوگرفتن از حضرت زینب (س) برای قمه‌زنی با استناد به یک روایت جعلی به‌طور کامل اشتباه است.^۱

جزع برای امام حسین (ع)

یکی از دلایلی که قمه‌زنان به آن استناد می‌کنند این است که قمه‌زنی از مصادیق جزع و عزاداری است، و عزاداری برای امام حسین (ع) از شعائر الهی است و تعظیم شعائر جایز و بلکه مستحب است.

۱. لازم به ذکر است این داستان در «مقتل جامع سیدالشهداء» نیز نیامده است. این کتاب حاصل تحقیق مفصلی است از جمعی از محققان تاریخ پژوه زیر نظر استاد مهدی پیشوایی که توسط مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در دو جلد به چاپ رسیده است.

پاسخ

آنچه مشخص است اینکه نمی‌توان از روی میل شخصی هرکاری را مصداق عذاراری دانست. برای تعیین مصداق عذاراری باید به شرع، عقل یا عرف مراجعه کرد. در این باره امام خمینی می‌فرماید: در اینجا هم باید در خصوص عذاراری و مجالسی که به نام امام حسین^(ع) بر پا می‌شود سخنی بگویم، ما و هیچ‌یک از دینداران نمی‌گوییم که با این مراسم، هر کسی هر کاری می‌کند خوب است، چه بسا علمای بزرگ و دانشمندان، بسیاری از این کارها را ناروا دانسته و از آن جلوگیری کرده‌اند (کشف الاسرار، امام خمینی، صفحه ۱۷۳ به نقل از مسائلی، ۱۳۸۶: ۳۱).

علاوه بر این سخن، روایتی در مورد مراتب عذاراری ذکر شده است که امام باقر^(ع) دربارهٔ (جزع) فرمودند:

«شدیدترین مرتبه جزع عبارت است از فریاد همراه وای گفتن، زدن به صورت و سینه و چیدن مو از جلوی سر، و هر کس نوحه‌گری برپا کند به‌طور حتم صبر را رها کرده و در غیرصبر قرار گرفته است» (وسائل الشیعه، ج ۲: ۹۱۵).

بنابراین باید دانست که هر فعل و شئی دارای تعریف و محدوده مشخصی است که این تعریف یا از ناحیه شرع مقدس معین شده و یا عقل و عرف برای آن محدوده معین می‌کند، در اینجا نیز باید محدوده عذاراری را شرع یا عقل معین کند.

در مورد قمه‌زنی باید گفت که هیچ دلیل شرعی وجود ندارد که بتوان قمه‌زنی یا اعمال شبیه به آن را به‌منزلهٔ عذاراری و جزع بر می‌شمرد، اما متأسفانه بعضی از طرفداران قمه‌زنی برای اینکه کار خود را توجیه کنند و وجهه شرعی به آن بدهند، دست به تحریفاتی در متون روایات نیز زده‌اند. مثلاً در برنامه تصویری که چندی پیش توسط عده‌ای از آن‌ها ساخته شده بود روایت (... لا شی فی اللطم علی الخدود سوی الاستغفار و التوبه، و قد شقن الجيوب و لطن الخدود الفاطمیات علی الحسین بن علی، علیهما السلام، و علی مثله تلطم الخدود و تشق الجيوب) (شیخ طوسی، تهذیب، ج ۸: ۳۲۵).

«چیزی در زدن بر صورت به‌جز استغفار و توبه نیست، زیرا زنان فاطمی در سوگ حسین بن علی^(ع)، گریبان چاک داده و به‌صورت زدند. و برای امام حسین^(ع)، لطمه به‌صورت زده و گریبان چاک داده می‌شود.» (که امام صادق^(ع) در بیان این معنا هستند که برای لطمه‌زدن به‌صورت کفاره‌ای لازم نیست و چون این عمل توسط بعضی از زنان هاشمی و برای سرورانی همچون حسین^(ع) انجام شده است فقط توبه و استغفار برای آن کافی است؛ و امام در این روایت هیچ‌گاه

❖ قصد تأیید این عمل توسط آن‌ها را ندارد)

به این گونه بیان شده بود (و علی مثله فلتلطم الخدود و لتشق الجيوب)، «و بر مثل حسین^(ع) باید به صورت زد و گریبان چاک داد.» که در آن روایت فعل های روایت به صورت امر در آمده بود(و البته امر بودن فعل های روایت چندین بار توسط آن‌ها مورد تأکید قرار گرفت) که این عمل تحریفی بسیار زشت و آشکار در متون روایات است (مسائلی، ۱۳۸۶: ۳۵).

مواسات و همدردی با امام حسین

دلیل دیگر قمه‌زنان برای قمه‌زدن، این است که مواسات و همدردی با امام حسین^(ع) است.

پاسخ

در جواب باید، ابتدا تعریف و محدوده مشخصی برای مواسات مشخص کرد سپس حکم کرد که قمه‌زنی مصداق مواسات است یا نه؟ همدردی به این معناست که ما هم مانند طرف مقابل درد او را داشته باشیم. یعنی مثلاً اگر امام برای از دست دادن یکی از اعضای خانواده یا یارش ناراحت شده و درد کشیده است ما هم روضه بخوانیم و احساس همدردی کرده و همراه امام^(ع) گریه کنیم. بین قمه‌زنی و همدردی با امام حسین^(ع) چه رابطه‌ای می‌تواند وجود داشته باشد. مشخص است که این دلیل یک ساختگی از طرف قمه‌زنان برای جایز شمردن عمل‌شان است.

احیای امر مذهب

مدافعان قمه‌زنی ادعا می‌کنند که با قمه‌زنی پایه‌های دین را تقویت کرده و بدین وسیله تعداد علاقه‌مندان به مذهب تشیع را می‌توان افزایش داد.

پاسخ

در جواب این استدلال باید گفت:

آنچه امروزه به وضوح قابل مشاهده و رؤیت است، دقیقاً مخالف آن چیزی است که به‌منزله دلیل ازسوی قمه‌زنان مطرح شده است. قمه‌زنان ادعای تقویت پایه‌های دین و افزایش تعداد علاقه‌مندان به مذهب تشیع را دارند! این درحالی است که مشخص است که عمل قمه‌زنان باعث شده که مذهب تشیع یک مذهب با اعمال وحشیانه محسوب شده و پایه‌های دین سست شده و در نتیجه علاقه‌مندان آن کاهش یابند.

خاطره زیر گواه بر این مطلب است: شیخ محمد تیجانی در یکی از سخنرانی‌هایش در مؤسسه آیت‌الله خوئی به سال ۱۹۹۴م خاطره‌ای از نخستین برخورد یک مسلمان اهل سنت با مراسم قمه‌زنی نقل کرده است. دکتر تیجانی در یکی از سفرهایش به عراق، برادرش را برای آشنایی با مذهب تشیع به همراه آورده بود. ورود آنها به نجف مصادف شده بود با روز عاشورا که در آن روز مراسم قمه‌زنی برگزار می‌شد. برادر تیجانی با دیدن سرهای خونین منظره قمه‌زنان از آن منظره هولناک به شدت متأثر شده و بلافاصله به تونس باز می‌گردد و از آن زمان به بعد از آگاه شدن به فکر و اندیشه شیعه گریزان است (ابراهیم حیدری، تراجدیا کربلا: ۴۵۹ به نقل از مسائلی، ۱۳۸۶: ۵۶). گفتنی است دکتر تیجانی پس از مشرف شدن به مذهب حقه شیعه، توانسته است تاکنون بسیاری از مسلمانان را به مکتب اهل بیت^(ع)، علاقه‌مند کرده، به طوری که به مذهب تشیع مشرف شده‌اند.

امام خمینی(ره) در این باره می‌گوید: شما می‌خواهید برای خدا کاری انجام دهید، در شرایطی که کاری به ضرر اسلام تمام می‌شود، بهتر است که انجام نشود، مثلاً قمه‌زنی که موجب وهن اسلام می‌شود. شما تا می‌توانید دستجات و سینه‌زنی را با شکوه‌تر انجام دهید (رحیمیان، ۱۳۷۱: ۱۱۶).

استدلال به فرازی از زیارت ناحیه مقدسه

یکی از استدلال‌هایی که قمه‌زنان در جواز خون‌ریزی می‌کنند استناد به قسمتی از زیارت ناحیه مقدسه است که آمده است: «من صبح و عصر بر تو ندبه می‌کنم و به جای اشک‌ها بر تو خون می‌گیریم» و معتقد هستند جاری شدن خون و خون‌گریه کردن جوازی برای خون‌ریزی به وسیله قمه‌زنی است!!

پاسخ

نخست اینکه از این بیان به هیچ وجه نمی‌توان چنین برداشتی کرد. برای اثبات این نظر می‌توان استدلال فوق را به هر آدم عاقلی نشان داد تا متوجه شد آیا می‌توان از خون‌گریه کردن جواز قمه‌زنی را برداشت کرد؟! اصلاً چه نسبتی باهم دارند آیا خون‌گریه کردن بر فرض اینکه واقعیت داشته باشد شبیه به قمه‌زنی است?!!!

دوم بر همگان روشن است که اینگونه بیان کردن نشان از شدت گریه است و یکی از فنون علم بدیع که در کلام‌های فصیح برای هر چه زیباتر کردن بیان استفاده می‌شود. پس در اینجا

❖ سال شانزدهم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۹۴
این خون گریه گردن نشان از شدت گریه دارد و اینگونه بیان‌ها برای بیان شدت چیزی بسیار رایج در زبان عربی است.

امام سجاد و کوبیدن سر به دیوار

یکی از دیگر از ادله موافقان قمه‌زنی استفاده از یک نقل تاریخی در مورد امام سجاد^(ع) بدین قرار است: «قام علی طولہ و نطح الجدار بوجهه فکسر انفه و شج رأسه و سال دمه علی صدره و خر مغشیا علیه من شدة الحزن و البكاء»؛ تمام قد حضرت ایستاد و صورت خود را به دیوار منزل کوبید پس بینی آن حضرت و سر ایشان شکست و خونش بر صورت ایشان ریخت و از شدت حزن و گریه از هوش رفتند (دارالسلام (محدث نوری)، جلد ۲، صفحه ۱۷۹ به نقل از مقاله تاریخچه ورود قمه‌زنی به ایران از سایت فارس نیوز^۱).

پاسخ

این حدیث در کتاب «دارالسلام» نقل شده است که شامل احادیث ضعیفی است و نمی‌توان به آن استناد کرد و علاوه بر این نقل فوق، نقلی تاریخی است و در کتاب‌های معتبر تاریخی هم نقل نشده است، پس نمی‌توان به آن تمسک کرده و آن را پذیرفت چه برسد به اینکه بخواهیم از آن جواز قمه‌زنی را برداشت بکنیم!

امام معصوم و پاره کردن لباس

یکی دیگر از دلایلی که موافقان قمه‌زنی به آن استناد می‌کنند روایاتی است که دلالت دارد که امام حسن عسکری^(ع) در سوگ پدر بزرگوارشان لباس خود را از جلو و عقب پاره کردند
«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ لَمَّا قُبِضَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ رُبِّيَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
قَدْ خَرَجَ مِنَ الدَّارِ وَقَدْ شَقَّ قَمِيصُهُ مِنْ خَلْفٍ وَقُدَّامٍ»

(زمانی که علی بن محمد^(ع) وفات کرد، امام حسن عسکری^(ع) به سوگ نشست و زمانی که از خانه خارج می‌شد، پیراهنش از جلو و عقب پاره شده بود) (عاملی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۹۱۶).

علاوه بر این به روایت دیگر با همین مضمون اشاره می‌کنند که به شرح زیر است:
«علی بن عیسی فی کتاب کشف الغمه نقلا من کتاب الدلائل لعبدالله بن جعفر الحمیری عن ابي هاشم الجعفری

¹. <http://www.farsnews.com>

قال: خرج أبو محمد^(ع) في جنازة أبي الحسن^(ع) و قميصه مشقوق، فكتب إليه ابن أعون: من رأيت أو بلغك من الأئمة شق قميصه في مثل هذا؟ فكتب إليه أبو محمد^(ع): يا أحمق! و ما يدريك ما هذا؟ قد شق موسى على هارون.»

(ابی هاشم جعفری نقل می‌کند. که امام حسن عسکری^(ع) در حالی برای تشییع جنازه پدرش از خانه خارج شد که پیراهنش شکافته شده بود. ابن أعون به امام نامه نوشت که چه کسی را دیدی و یا از چه کسی شنیدی که امامان قبل از تو لباسشان را پاره کرده باشند. امام در مقابل این گستاخی در پاسخ نوشتند: ای احمق تو چه می‌دانی که این چیست! موسی در عزای هارون لباس خود را شکاف داده بود).

پاسخ

آنچه از روایات بر می‌آید پاره کردن لباس در عزا نه تنها در مورد امام^(ع) که در مورد دیگران نیز جایز است و تنها برخی موارد خاص آن استثناء شده است.

«وَذَكَرَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ دَاوُدَ الْقُمِّيَّ فِي نَوَادِرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَخِيهِ جَعْفَرِ بْنِ عِيسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ سَدِيرِ بْنِ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ شَقَّ ثَوْبَهُ عَلَى أَبِيهِ أَوْ عَلَى أُمِّهِ أَوْ عَلَى أَخِيهِ أَوْ عَلَى قَرِيبٍ لَهُ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِشَقِّ الْجُبُوبِ قَدْ شَقَّ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَى أَخِيهِ هَارُونَ وَ لَا يَشُقُّ الْوَالِدُ عَلَى وَلَدِهِ وَ لَا زَوْجٌ عَلَى امْرَأَتِهِ وَ تَشُقُّ الْمَرْأَةُ عَلَى زَوْجِهَا وَ إِذَا شَقَّ زَوْجٌ عَلَى امْرَأَتِهِ أَوْ وَالِدٌ عَلَى وَلَدِهِ فَكَفَّارَتُهُ حِنْثُ يَمِينٍ وَ لَا صَلَاةَ لَهُمَا حَتَّى يُكْفَرَا أَوْ يُتُوبَا مِنْ ذَلِكَ فَإِذَا خَدَشَتِ الْمَرْأَةُ وَجْهَهَا أَوْ جَزَّتْ شَعْرَهَا أَوْ نَتَفَتَتْهُ فَفِي جِزِّ الشَّعْرِ عَتَقُ رَقَبَةٍ أَوْ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ إِطْعَامُ سِتِّينَ مَسْكِينًا وَ فِي الْخَدَشِ إِذَا دَمِيَتْ وَ فِي النَّتْفِ كَفَّارُهُ حِنْثُ يَمِينٍ وَ لَا شَيْءٌ فِي اللَّطْمِ عَلَى الْخُدُودِ سِوَى الْإِسْتِغْفَارِ وَ التَّوْبَةِ...» (عاملي،

۱۳۷۳، ج: ۲، ۹۱۷- طوسی، ۱۳۷۶، ج: ۸، ۴۴۸)

«ابن سدير نقل می‌کند که از امام صادق ع در مورد مردی سؤال کردم که لباسش را برای پدر و مادر و یا برادرش و یا یکی از نزدیکانش پاره کرده است. آیا این عمل او مجاز است؟ ایشان فرمودند: پاره کردن لباس اشکالی ندارد. موسی برای هارون (علیهما السلام) پیراهن پاره کرد. البته، پدر برای فرزند و زنش نمی‌تواند پیراهن پاره کند. اما زن می‌تواند در عزای شوهرش لباسش را پاره کند و اگر مرد مرتکب این معصیت شود کفاره آن کفاره شکستن قسم است و نماز چنین شخصی مادامی که کفاره را نداده باشد پذیرفته نیست.

زمانی که زن به صورت خود چنگ بزند و یا موهایش را ببرد و یا بکند. در این صورت برای

بریدن مو یا باید غلامی را آزاد کند. یا دو ماه روزه بگیرد و یا شست فقیر را سیر کند. زمانی که صورتش را خراش بدهد. اگر خون خارج شود و همین طور در کندن مو، کفاره شکستن قسم است. اگر کسی لطم کند، اگر چه گناه است و باید استغفار کند. اما کفاره‌ای ندارد» از این روایت تعبیدی بودن کار و اینکه اینکار اختصاص به معصوم ندارد مشخص می‌شود و بیان می‌شود که در موارد ذکر شده پاره کردن پیراهن اشکال ندارد.

تبیین دلایل حرمت قمه‌زنی

در قسمت قبل پاسخ‌های فراوانی به ادله مجوزین داده شد؛ علاوه بر آن‌ها ادله زیر نیز برای اثبات حرمت قابل استفاده است. این دلایل عبارت‌اند از:

بدعت بودن قمه‌زنی

در تعریف بدعت می‌توان به معنای لغوی و اصطلاحی آن توجه کرد. معنای لغوی بدعت ایجاد هر امر جدید و بی‌سابقه است. و معنای اصطلاحی به وجود آوردن مسئله و حکمی نو در دین است که تا پیش از آن نبوده است. مثل زمانی که حلالی را حرام می‌کنند و یا حرامی را حلال می‌شمارند.

برخی از واژه‌شناسان قرآن و حدیث گفته‌اند: «البدعة الحدیث فی الدین و ما لیس له اصل فی کتاب و لا سنة و انما سمیت بدعة لان قائلها ابتدعها من نفسه.» (یعنی بدعت آوردن مطلبی جدید در دین است چیزی که ریشه آن در سنت و کتاب یافت نشود و آن را بدعت نامیده‌اند چون آورنده آن از پیش خود درآورده است) (طریحی، ۱۴۱۴: ۱۲۲).

یکی از دلایل حرمت قمه‌زنی که مراجع تقلید و برخی دیگر از علما به آن اشاره کرده‌اند بدعت بودن قمه‌زنی است. در روایات با شدت خاصی با بدعت‌گذاری برخورد شده است و به شدت از آن نهی شده است.

پیامبر خدا (ص) می‌فرمودند: «بدترین کارها آن است که نوپدید و بی‌سابقه باشد. بدانید هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی فرجامش آتش است (کلینی، بی تا: ۹۰).

حضرت امیر مؤمنان (ع) نیز می‌فرمایند:

هیچ بدعتی نهاده نشده، مگر آنکه بدان سبب سنتی ترک شد. از بدعت‌ها بپرهیزید و راه

روشن را در پیش گیرید، بهترین کارها آن است که پیشینه داشته باشد و بدترین آن‌ها آن است که نوپدید و بی‌سابقه باشد (محمدی ری شهری، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۸۰).

شهید مطهری در مورد نوظهور بودن و بدعت بودن قمه‌زنی می‌گوید: قمه‌زنی و بلندکردن طبل و شیپور از ارتدوکس‌های قفقاز به ایران سرایت کرد و چون روحیه مردم برای پذیرفتن آن‌ها آمادگی داشت، همچون برق در همه جا گسترده شد (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۶۵).

علامه سید محسن امین می‌نویسد: بزرگترین گناه‌ها این است که انسان بدعت‌ها را به‌جای مستحب گرفته و یا امور مستحبی را بدعت وانمود کند، امور نهی شده که در عزاداری‌ها فراوان اتفاق می‌افتد، از قرار زیر است: ۱. کذب و دروغ گفتن ۲. آزار نفس و اذیت کردن بدن که همان قمه‌زدن و ... حرام بودن این امور، درعمل و درفعل ثابت است ۳. جیغ زدن و فریادهای بلند زنان که علاوه بر زشت بودن آن، اصلاً گناه و معصیت است ۴. داد و فریاد و نعره‌های وحشیانه با صداهای نکره ۵. غیر از اینها آنچه به نام دین در این گونه مجالس، موجب آبروریزی و هتک حرمت فوق‌العاده دین می‌شود و حد و مرزی نیز نمی‌توان برای آن شمرد (امین، ۱۳۷۱: ۱۳)

مراجع تقلید و علمایی که به بدعت بودن قمه‌زنی اشاره کرده‌اند^۱ عبارت‌اند از:

آیات عظام و فقهای اعلام آقایان:

شیخ جواد تبریزی، صالحی مازندرانی، مرتضی مطهری، احمدی میانجی، محمد ابراهیم جناتی، سید جعفر کریمی، سید محسن امین عاملی، محمد یزدی و مسلم ملکوتی.

وهن و تضعیف مذهب

دیگر دلیل ذکر شده در حرمت قمه‌زنی وهن و تضعیف مذهب است. وهن در لغت به معنای تضعیف و سست نمودن چیزی یا کسی است. در مورد قمه‌زنی وقتی دلیل وهن و تضعیف مذهب بیان می‌شود به این معناست که دیگران با دیدن این عمل خلاف منطق و عقل، علاوه بر اینکه مذهب را به بی‌منطقی و ضدعقل بودن متهم می‌کنند، شیعه را مذهبی خشن، وحشی و خرافه‌گرا به‌شمار می‌آورند. که این نوعی وهن و تضعیف مذهب تشیع است.

تا کنون در شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های ضد اسلامی در جهان فیلم‌های متعددی بر علیه اسلام و مسلمانان و معرفی آن‌ها با چهره‌ای خشن و زشت ساخته شده که می‌توان به

۱. برای ملاحظه دست خط این بزرگواران می‌توان به کتاب دست پنهان: ۶۰-۵۶ مراجعه کرد.

فیلمی با نام «شمشیر اسلام» که از شبکه بی‌بی‌سی چند سال پیش پخش شد یا فیلم «ترور شیعی» که از تلویزیون فلوریدای امریکا نمایش داده شد اشاره کرد. فیلم‌های دیگری نظیر محاصره، ساوایور و ... هم تولید شده که آثار منفی زیادی بر اذهان مردم جهان داشته است. متأسفانه خیلی از استنادات این برنامه‌ها اعمالی است که از سوی افرادی که خود را شیعه معرفی می‌کنند انجام می‌شود و با فیلم‌برداری خبرنگاران رسانه‌های غربی سند محکمی برای اثبات حرف باطلشان می‌آید. نمونه آن واقعه‌ای است که روز اربعین بین‌الحرمین اتفاق افتاد که چند دسته ۱۰-۱۵ نفره در ابتدای صبح، درحالی که همگی بر اثر قمه‌زدن، با صورت و لباس‌های خونی بودند و در فضای مطهر بین‌الحرمین به عزاداری پرداختند که این عمل آنان باعث تعجب بسیار و البته تأسف قاطبه زائران شد. این عده در همین حال به سمت حرم امام حسین^(ع) و پشت به بارگاه حضرت ابوالفضل^(ع) (در جهت خلاف قبله) نماز خواندند و پس از آن، درحالی که به گردنشان قلاده بسته بودند و وعو می‌کردند، به سوی حرم اباعبدالله^(ع) به صورت چهاردست و پا حرکت کردند و سپس در صحن مطهر حرم، درحالی که با یک دست، قلاده گردن خود را گرفته بودند، با دست دیگر به سینه می‌کوبیدند و که با نگاهی گذرا به عملکرد این افراد، آنچه به ذهن می‌رسد، شباهت این کارها با اعمال برخی گروه‌های سرخ‌پوست یا شیطان‌پرست در غرب است. نیاز به توضیح در مورد اینکه چگونه چنین اعمالی باعث وهن مذهب می‌شود نیست و بیان اتفاق به‌خوبی روشن و واضح است (مسائلی، ۱۳۸۶: ۶۷).

مقام معظم رهبری در دیدار اول فروردین ۱۳۷۶ در دیدار عمومی با مردم مشهد مطلبی را در این مورد بیان کردند که بدین شرح است:

من در دو، سه سال قبل از این راجع به «قمه‌زنی» مطلبی را گفتم و مردم عزیز ما آن مطلب را با همه وجود پذیرفتند و عمل کردند. اخیراً مطلبی را کسی به من گفت که خیلی برایم جالب و عجیب بود، برای شما هم آن مطلب را نقل می‌کنم.

کسی که با مسائل کشور شوروی سابق و این بخشی که شیعه نشین است - جمهوری آذربایجان - آشنا بود، می‌گفت: آن وقتی که کمونیست‌ها بر منطقه آذربایجان شوروی سابق مسلط شدند، همه آثار اسلامی را از آنجا محو کردند؛ مثلاً مساجد را به انبار تبدیل کردند، سالن‌های دین و حسینیه‌ها را به چیزهای دیگری تبدیل کردند و هیچ نشان‌های از اسلام و دین و تشیع باقی نگذاشتند؛ فقط یک چیز را اجازه دادند و آن «قمه‌زدن» بود! دستورالعمل رؤسای

کمونیستی به زیردستان خودشان این بود که مسلمانان حق ندارند نماز بخوانند؛ نماز جماعت برگزار کنند، قرآن بخوانند، عزاداری کنند، هیچ کار دینی نباید بکنند، اما اجازه دارند قمه بزنند! چرا؟ چون خود قمه‌زدن، برای آن‌ها یک وسیله تبلیغ بر ضد دین و بر ضد تشیع بود! بنابراین، گاهی دشمن از بعضی چیزها این‌گونه علیه دین استفاده می‌کند. هر جا خرافات به میان بیاید، دین خالص بدنام خواهد شد (نقل شده در دیدار عمومی با مردم مشهد در اول فروردین ۷۶).

علاوه بر این مطلب، در اسناد سفارت انگلیس در تهران، مدرکی پیدا شده با این مضمون: در سال ۱۳۲۴ شمسی، سفارت انگلیس در ایران، تعداد ۱۵۰۰۰ قمه خرید و به هیئت‌های مذهبی اهدا کرد! که خودتان را بزیند و کاری به ما نداشته باشید (به نقل از مقاله «دفاع از حریم شیعه، قسمت نهم از سایت ره پویان»^۱).

اینها همه موارد و شواهدی بود بر وهن و تضعیف مذهب، این در حالی است که پیشوای ششم شیعیان امام صادق علیه السلام اینگونه می‌فرمایند:

یا معشر الشیعه انکم قد نسبتم الینا، کونوا لنا زیناً و لا تکنوا علینا شیئاً (طبرسی، ۱۴۱۱: ۷۳)
«ای گروه شیعه، که به ما منسوب هستید، برای ما زینت باشید، و مایه عار و ننگ ما نباشید»
فاتقوا الله و کونوا زیناً و لا تکنوا شیئاً، جروا الینا کل مودّه و ادفعوه عنّا کل قبیح (طبرسی، ۱۴۱۱: ۷۱)
«تقوای خدا را پیشه کنید و برای ما زینت باشید نه مایه ننگ، تمام محبت و دوستی را به طرف ما جلب کنید و هر نسبت زشت و ناپسندی را از ما دور نمایید.»

مراجع تقلید و علمایی که به موهن بودن قمه‌زنی به مذهب اشاره کرده‌اند^۲ عبارت‌اند از:
آیات عظام و فقهای اعلام آقایان:

ابوالقاسم خویی، شیخ جواد تبریزی، ناصر مکارم شیرازی، سیدعلی خامنه‌ای، محمد تقی بهجت، سیدعلی سیستانی، محمد فاضل لنکرانی، لطف‌الله صافی گلپایگانی، علی مشکینی، سید محمد صادق صدر، عبدالله جوادی آملی، مهدی روحانی، ابراهیم امینی، شیخ هادی ملکوتی، مرتضی مقتدایی، محمد محمدی گیلانی و سیدحسین موسوی تبریزی

غیرمنطقی و غیرقابل پذیرش بودن

به این دلیل آیات عظام و علمایی همچون فاضل لنکرانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی و

1. www.rahpouyan.com

۲. برای ملاحظه دست‌خط فتوهای این بزرگواران می‌توان به کتاب دست پنهان: ۵۲-۴۴ مراجعه کرد.

سال شانزدهم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۹۴

احمدی میانجی به آن اشاره کرده‌اند. مثلاً مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی نوشته‌اند: باتوجه به گرایشی که به اسلام و تشیع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اکثر نقاط جهان پیدا شده و ایران اسلامی به منزله ام‌القرای جهان اسلام شناخته می‌شود و اعمال و رفتار ملت ایران به مثابه الگو و بیانگر اسلام مطرح است، لازم است درباره مسائل سوگواری و عزاداری سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله‌الحسین^(ع) به گونه‌ای عمل شود که موجب گرایش بیشتر و علاقه‌مندی شدیدتر به آن حضرت و هدف مقدس وی شود. پیداست در این شرایط، مسئله قمه‌زدن نه تنها چنین نقشی ندارد، بلکه به علت قابل پذیرش نبودن و نداشتن هیچ‌گونه توجیه قابل فهم مخالفان، نتیجه سوء بر آن مترتب خواهد شد. بنابراین لازم است شیعیان علاقه‌مند به مکتب امام حسین^(ع) از آن خودداری کنند و چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، نذر واجد شرایط صحت و انعقاد نیست (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۲۲).

اضرار و ایذاء نفس

از قواعد فقهی بسیار بدیهی که ریشه‌های آن در کتاب و سنت و عقل وجود دارد و دانشمندان اسلامی با اجماع آن را پذیرفته‌اند قاعده «لاضرر» است. بداهت این قاعده ما را از توضیح و تبیین آن در این مقاله بینای می‌سازد (برای نمونه رک مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۲ و بهرامی احمدی، ۱۳۸۹، ج ۲ و ...). از سوی دیگر در اینکه قمه‌زنی از مصادیق آشکار اضرار بر نفس است تردیدی وجود ندارد. بنابراین باتوجیه این دو مطلب آشکار است که بسیاری از آیات عظام تقلید همانند آیات عظام سید ابوالقاسم خویی، ناصر مکارم شیرازی، سید محسن امین عاملی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، سید محمود شاهرودی به این قاعده فقهیه اشاره کرده و قمه‌زنی را از باب اضرار بر نفس حرام دانسته‌اند.^۱

بیان نمونه‌هایی از فتاوای مراجع عظام در حرمت قمه‌زنی

در این قسمت به فتاوای برخی از مراجع عظامی که از گذشته و حال قمه‌زنی را حرام دانسته‌اند می‌پردازیم و پاره‌ای از سخنان آن‌ها را نقل می‌کنیم:

۱. برای مشاهده دست‌خط فتاوی این بزرگان ر.ک. به «دست پنهان»: ۶۴-۶۱.

حضرت امام خمینی (ره)

در شرایط و اوضاع کنونی از قمه‌زدن خودداری شود و عزاداری و سینه‌زدن مانعی ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۵، ج ۳، س ۳۷).

البته، از عبارت «شرایط و اوضاع کنونی» نباید برداشت کرد که مفهوم این جمله آن است که در غیر اوضاع کنونی اشکالی ندارد، بلکه در اوضاع کنونی حرمت شدیدتر است و نهی جدی‌تر، چراکه ادله‌ای مثل بدعت‌بودن و اضرار و ایذاء در همهٔ زمان‌ها وجود دارد و دلیلی مثل وهن مذهب در این ادوار تشدید می‌شود.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه‌العالی)

قمه‌زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه^(ع) و زمان‌های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم^(ع) در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود؛ بنابراین در هیچ حالتی جایز نیست و چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، نذر واجد شرایط صحت و انعقاد نیست (اجوبه الاستفتاءات، ۱۳۹۱: ۳۲۶، س ۱۴۶۱).

همچنین ایشان در سخنرانی‌های متعددی به بحث قمه‌زنی اشاره فرموده‌اند که در ادامه برخی از آن‌ها را می‌آوریم:

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۳۸۴/۰۶/۱۷)

ما چند سال پیش اینجا راجع به قمه‌زنی - امری که «بَیِّنُ الغَیِّ» است - مطالبی گفتیم؛ بزرگانی صحبت کردند، نجابت کردند، قبول کردند و مردم زیادی هم پذیرفتند؛ یک وقت دیدیم از گوشه‌هایی سروصدا بلند شد که آقا شما با امام حسین مخالفتید! معنای «سفینة النجاة و مصباح الهدی» این است که ما عملی را که بلاشک شرعاً محل اشکال است و به‌عنوان ثانوی هم حرام مسلم و بَیِّن است، انجام دهیم؟ باید این روشنگری‌ها را بکنیم تا نسل جوان ما به اسلام بیشتر علاقه‌مند شود. گرایش جوان‌ها را به اسلام می‌بینید. این گرایش، گرایش عاطفی است. این گرایش، بسیار ارزشمند است؛ اما مثل موجی است که ممکن است بیاید و برگردد. ما اگر بخواهیم این موج همچنان استمرار داشته باشد، باید پایه‌های فکری جوان‌ها را محکم کنیم. ما این‌همه منبع داریم. همین دعای ابوحمزه که حضرت آقای مشکینی فرمودند، دعای امام حسین در روز

عرفه، اینها را جوان‌های ما می‌خوانند؛ اما معنایش را نمی‌فهمند. «الهی هب لی قلبا یدینه منک شوقه»؛ چقدر از این‌گونه مناجات‌ها و از این‌گونه مبانی و از این حرف‌های عمیق در دعاهایی مثل مناجات شعبانیه و صحیفه سجادیه وجود دارد که لازم است اینها را برای جوان‌ها بیان و تبیین و روشن کنیم تا بفهمند و با علاقه و عاطفه و شوقی که دارند، بخوانند.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۳۸۳/۱۲/۲۷)

این‌طور نباشد که وقتی مطلب حقی در مرکزی گفته می‌شود و مسئول و روحانی روشنفکر و آگاهی آن را بیان می‌کند، ناگهان با این توهم یا با این وسوسه که اصل عزاداری امام حسین زیر سؤال برده شد، جریانی درست شود؛ کماینکه ما دیدیم در قضیه قمه‌زنی همین‌طور شد. به‌نظر ما قمه‌زنی یک خلاف شرع قطعی بود و هست؛ این را ما اعلام کردیم و بزرگانی هم حمایت کردند؛ اما بعد دیدیم از گوشه و کنار کسانی در جهت عکس این عمل می‌کنند! اگر قمه‌زنی اشکال هم نداشته باشد و حرام هم نباشد، واجب که نیست؛ چرا در جاهایی برای این چیزهای بعضاً خرافی انگیزه وجود دارد؟ آن‌هایی هم که جنبه خرافی محض ندارد، لاقلاً این مقدار هست که در دنیای امروز، در ارتباطات امروز، در فرهنگ رایج جهانی امروز، در عقلانیاتی که امروز در داخل خانه‌های ما و بین جوانان و دختران و پسران ما رایج است، عکس‌العمل نامناسب ایجاد خواهد کرد. اینها از بیانات شرع نیست که ما بگوییم چه دنیا بیسندد، چه نپسندد، ما باید اینها را بگوییم؛ حداقل اینها چیزهای مشکوک‌فیه است. برای این موضوع فکری بکنید و کاری انجام دهید. این‌هم با اشاره‌ای که شما در بیانیه اجلاس کردید، به‌دست نمی‌آید.

دیدار روحانیون و فضلا و طلاب کهگیلویه و بویر احمد با رهبر انقلاب (۱۳۷۳/۰۳/۱۷)

قمه‌زنی از کارهای خلاف، جعلی و نادرست است که متأسفانه طی چند سال اخیر برخی در حال ترویج آن هستند. قمه‌زنی مربوط به دین و یا یک حرکت عزاداری نیست و به‌طورقطع خلاف و یک بدعت است و بدون تردید خداوند به انجام آن راضی نیست و اینجانب نیز از کسی که تظاهر به قمه‌زنی می‌کند قلباً راضی نیستم.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون کهگیلویه و بویر احمد (۱۳۷۳/۰۳/۱۷)

قمه‌زدن هم از کارهای خلاف است. می‌دانم عده‌ای خواهند گفت: «حق این بود که فلانی اسم قمه را نمی‌آورد.» خواهند گفت: «شما به قمه‌زدن چه کار داشتید؟ عده‌ای می‌زنند؛ بگذارید بزنند!» نه؛ نمی‌شود در مقابل این کار غلط سکوت کرد. اگر به‌گونه‌ای که در طول چهار، پنج سال اخیر بعد از

جنگ، قمه‌زدن را ترویج کردند و هنوز هم می‌کنند، در زمان حیات مبارک امام خمینی^(ره) ترویج می‌کردند، به‌طورقطع ایشان در مقابل این قضیه می‌ایستادند. کارِ غلطی است که عده‌ای قمه به‌دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند. این کار را می‌کنند که چه بشود؟! کجای این حرکت، عزاداری است؟! البته، دست بر سر زدن، به‌نوعی نشانه عزاداری است. شما بارها دیده‌اید، کسانی که مصیبتی برایشان پیش می‌آید، بر سر و سینه خود می‌کوبند. این نشانه عزاداری معمولی است. اما شما تا به حال کجا دیده‌اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبت‌عزیزترین عزیزانش، با شمشیر برمغز خود بکوبد و از سر خود خون جاری کند؟! کجای این کار، عزاداری است؟ قمه‌زدن، سنتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست. علمای سلف دستشان بسته بود و نمی‌توانستند بگویند «این کار، غلط و خلاف است.» امروز روز حاکمیت اسلام و روز جلوه اسلام است. نباید کاری کنیم که آحاد جامعه اسلامی برتر، یعنی جامعه محبِ اهل‌بیت^(ع) که به نام مقدس ولیّ عصر (ارواح‌افداه)، به‌نام حسین بن علی^(ع) و به‌نام امیرالمؤمنین (علی)، مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیرمسلمانان عالم، گروهی آدم‌های خرافاتی بی‌منطق معرفی شوند. من درحقیقت هر چه فکر کردم، دیدم نمی‌توانم این مطلب - قمه‌زدن - را که به‌طورقطع یک خلاف و یک بدعت است، به اطلاع مردم عزیزمان نرسانم تا این کار را نکنند. بنده راضی نیستم. اگر کسی تظاهر به این معنا کند که بخواهد قمه بزند، من قلباً از او ناراضی‌ام. این را من جداً عرض می‌کنم. یک وقت بود در گوشه و کنار، چند نفر دور هم جمع می‌شدند و دور از انظار عمومی مبادرت به قمه‌زنی می‌کردند و کارشان، تظاهر - به این معنا که امروز هست - نبود. کسی هم به خوب و بدِ عملشان کار نداشت؛ چراکه در دایره محدودی انجام می‌شد. اما یک وقت بناست که چند هزار نفر، ناگهان در خیابانی از خیابان‌های تهران یا قم یا شهرهای آذربایجان و یا شهرهای خراسان ظاهر شوند و با قمه و شمشیر بر سر خودشان ضربه وارد کنند. این کار، به‌طورقطع خلاف است. امام حسین (علیه‌السلام)، به این معنا راضی نیست. من نمی‌دانم کدام سلیقه‌هایی و از کجا این بدعت‌های عجیب و خلاف را وارد جوامع اسلامی و جامعه انقلابی ما می‌کنند؟!

پاسخ به نامه امام جمعه اردبیل (۱۳۷۳/۰۳/۲۷)

در پی نامه حجت‌الاسلام و المسلمین مروج، امام جمعه اردبیل مبنی بر اعلام تبعیت مردم اردبیل از نصایح و رهنمودهای مقام معظم رهبری در مسئله عزاداری سالار شهیدان حسین بن علی^(ع)،

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین خطاب به امام جمعه اردبیل پاسخی به این شرح صادر فرمودند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای مروج امام جمعه مکرم اردبیل (دامت برکاته) بعد از سلام و التحیه مرقومه جنابعالی که حاکی از موضع‌گیری تحسین‌برانگیز مردم عزیز اردبیل پیرامون نصایح اینجانب در مسئله عزاداری سالار شهیدان^(ع) بود، دریافت شد. از آن مردم مؤمن و غیور و فداکار که همواره در صفوف مقدم صالحات قرار دارند، همین انتظار نیز هست. اینجانب هم در صحنه خونین جنگ و هم در عرصه حضور عقیدتی و انقلابی و سیاسی، رشادت و جوانمردی و غیرت دینی و روشن‌بینی و عشق به اهل بیت علیهم‌السلام را در مردم عزیز اردبیل و خطه آذربایجان دیدم و ان‌شاءالله در نزد حضرت حق تعالی، مأجور و سرافراز خواهند بود.

عرایض اینجانب به مردم متدین و عاشق خاندان نبوت و ولایت^(ع) از روی دلسوزی است، اینجانب می‌بینم که چگونه اخلاص و محبت مردم به سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله‌الحسین^(ع) مورد جفا در قضاوت‌های جهانی واقع می‌شود، چگونه درک روشن‌بینانه آنان در اعتقاد به مقام والای اهل بیت^(ع)، به‌خاطر بعضی اعمال جاهلانه، حمل به اموری می‌شود که از ساحت شیعیه و ائمه بزرگوارشان بسی دور است. می‌بینیم که چگونه عزاداری بر جگر گوشه‌گان زهرای اطهر^(ع) مورد تبلیغ سوءدشمنان متعصب و تبلیغات‌چی‌های شیطان استعمار قرار می‌گیرد، می‌بینیم که بعضی اعمالی که هیچ ریشه دینی هم ندارد بهانه به دست دشمن مغرض می‌دهد که بدان وسیله هم اسلام و تشیع را (العیاذبالله) به‌عنوان آئین خرافه معرفی کنند و هم بغض و عداوت خود را به نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغات خود آشکار سازند.

شیعه محب و مخلصی که در روز عاشورا با قمه سر و روی خود و حتی کودکان خردسال خود را خونین می‌کند آیا راضی است که با این عمل خود در روزگاری که هزاران چشم عیب‌جو و هزاران زبان بدگو، در پی بدمعرفی کردن اسلام و تشیع است، عمل او را مستمسک دشمنی خود قرار بدهد؟ آیا راضی است که با تظاهر به این عمل، خون ده‌ها هزار جوان بسیجی صفت عاشق را که برای آبرو دادن به اسلام و تشیع و نظام جمهوری اسلامی بر زمین ریخته شده است، ضایع سازد؟ آنچه از قول مراجع سلف (ره) نقل شده است بیش از این نیست که اگر اینکار ضرر معتنی به ندارد جایز است. آیا سبک‌کردن شیعه در افکار جهانیان ضرر معتنی به نیست؟ آیا

مخدوش کردن محبت و عشق شیعیان به خاندان مظلوم پیامبر^(ص) و به‌خصوص شیفتگی بی‌حد و حصر آنان به سالار شهیدان^(ع) را بدجلوه دادن، ضرر نیست؟ کدام ضرر از این بالاتر است؟ اگر قمه‌زدن به‌صورت عملی انفرادی در خانه‌های در بسته انجام می‌گرفت، ضرری که ملاک حرمت است فقط ضرر جسمی بود، ولی وقتی اینکار علی‌رؤس‌الاشهاد و در مقابل دوربین‌ها و چشم‌های دشمنان و بیگانگان بلکه در مقابل چشم جوانان خودمان انجام می‌گیرد، آنوقت دیگر ضرری که باید معیار حرمت باشد فقط ضرر جسمی و فردی نیست، بلکه مضرات بزرگ تبلیغی که با آبروی اسلام و شیعه سر و کار دارد نیز باید مورد توجه باشد.

امروز این ضرر، بسیار بزرگ و شکننده است و بنابراین قمه‌زدن علنی و همراه با تظاهر، حرام و ممنوع است، البته کسانی که در سال‌های گذشته از روی عشق و اخلاص قمه زده‌اند مأجورند و به‌خاطر نیتشان مستوجب ثواب الهی‌اند (ان‌شاءالله).

ولی اکنون باید به نحو متعارف که در طول قرون و اعصار عزاداری می‌کرده‌اند و متدینین و علماء هم خود در آن شرکت می‌جسته‌اند عزاداری کنند یعنی تشکیل مجالس روضه‌خوانی و راه‌اندازی دستجات و مواكب عزاداری که دارای حال و حزن و شور و محبت اهل بیت^(ع) است، سعی کنند که نوحه‌ها و شعرها و روضه‌خوانی‌ها پرمغز و دارای مضامین صحیح و متکی به آثار وارده معتبره از ائمه^(ع) یا علمای بزرگ باشد، سلامتی و توفیقات جناب‌عالی و همهٔ مردم آذربایجان و اردبیل و سایر مناطق کشور اسلامی را مسألت می‌نمایم.

سیدعلی خامنه‌ای

هفتم محرم الحرام ۱۴۱۵ مطابق ۲۷ خرداد ۱۳۷۳

سخنان شهید آیت‌الله سید محمد باقر حکیم در ردّ بدعت‌های عزاداری و قمه‌زنی

چون هدف ما بازگشت به اهل‌بیت^(ع) است و آن بزرگواران آگاه‌ترین افراد بر شریعت اسلام و بر آنچه در خانه رسول رخ داده و می‌دهد و مسائل مربوط به آن هستند، باین‌حال چیزی از آن‌ها به دست ما نرسیده که بتواند ربطی به این امور منفی که هم‌اکنون در عزاداری‌ها صورت می‌گیرد داشته باشد. به‌گونه‌ای که نه در زمان ائمه اطهار^(ع)، و نه بعد از آن مردم با این امور منفی آشنائی نداشتند و این شیوه‌های عزاداری در زمان‌های معاصر ایجاد و رواج یافته‌اند. و اگر چیزی از این امور می‌توانست در خدمت به اهداف نهضت حسینی مفید و سودمند واقع شود، حتماً اهل بیت^(ع)، اولین کسانی بودند که به آن سفارش می‌کردند یا حداقل باید اهل بیت^(ع)، در این مورد حرفی

می‌زدند یا اینکه تشویق و حمایتی از این امور می‌کردند؛ درحالی‌که می‌بینیم آن بزرگواران حتی در احادیث ضعیفشان نیز هیچ‌گونه اشاره‌ای به این امر نکرده‌اند. این درحالی است که اهل بیت مثلاً هنگامی که در موضوع زیارت امام حسین^(ع)، از زیارت پیاده آن حضرت و مشکلات و سختی‌های راه آن سخن می‌گویند به بیان هر اجری که زائر در هر قدمش کسب می‌کند پرداخته و ریزترین امور را متذکر می‌شوند. پس می‌بینیم که چگونه این بزرگواران از این مسائل کوچک سخن گفته‌اند، اما هیچ اشاره‌ای به این اشکال عزاداری ننموده‌اند. همچنین می‌توان در تأکید این موضوع به صورتی واضح به سیره علمای بزرگ در طول تاریخ از زمان ائمه تاکنون اشاره کرد؛ به گونه‌ای که می‌بینیم علمای اعلام با اینکه تنها در پی عمل به واجبات شرعی نبوده، بلکه به مستحبات و سفارشات رسیده از جانب شرع که وسیله قرب به خداوند متعال است نیز اهمیت خاصی می‌دادند و البته اولین کسانی می‌بودند که به آن‌ها عمل می‌کردند. با این حال در تمام طول تاریخ و حتی تاریخ معاصر شاهد نبوده‌ایم که یکی از مراجع تقلید و یا یکی از علمای معروف این‌گونه اعمال منفی را انجام داده باشند. در صورتی که اگر این اعمال از مقربات الهی بود این علماء اولین کسانی بودند که به آن قیام می‌کردند. از طرفی نیز روشن است که در شریعت اسلام، تمام مردم مخاطب احکام شرعی هستند و وجهی وجود ندارد که بگوئیم احکامی نزد ما وجود دارد که مخاطب آن مثلاً فقط علما هستند یا اینکه احکامی باشند که مخاطب آن فرد جاهل بوده باشد؛ به گونه‌ای که بعضی از احکام مخصوص علما و بعضی مخصوص جاهلان باشد یا مثلاً این حکم مخصوص فرد آبرومند و این حکم مخصوص فرد فرومایه باشد و... پس باید گفت که همه احکام شرعی مشترک بین مسلمانان هستند؛ چه واجب و چه مستحب. پس اگر عمل مورد نظر ما نیز مستحب باشد برای همه مردم مستحب است چه آن‌ها عالم باشند و چه عامی. با این حال شاهد نبوده‌ایم که هیچ‌یک از علما در طول تاریخ اقدام به این عمل کنند و این بدان معناست که آن‌ها این اعمال را مستحب و مقرب‌کننده نزد خداوند نمی‌دانسته‌اند و بنده به‌شخصه هیچ عالمی را تاکنون نمی‌شناسم که اصرار بر انجام این صورت‌های عزاداری داشته باشد و شاهد نبوده‌ام که مثلاً عالمی قمه بزند. پس اگر عالمی وجود دارد که بر انجام‌شدن این‌گونه اعمال اصرار دارد و آن را مستحب می‌داند پس اعتقاد دارم که او باید خود اولین کسی باشد که قمه می‌زند و آن را همیشه ادامه می‌دهد تا مردم نیز بر او اقتدا کنند. و من خویش شاهد این حقیقت بودم که مرجع کبیر آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم (ره) دائم می‌فرمودند: «همانا

قضیه قمه زنی، اندوه و غصه‌ای در گلوی ماست» پس ایشان با این دید به قمه زنی نگاه می‌کردند، ولی در جواب سؤالات نیز می‌نوشتند: اگر قمه‌زنی باعث ضرر به بدن یا هتک حرمت به مذهب اهل بیت و شیعیان گردد، حرام است (الغریفی، ۱۴۱۵: ۱۲۷-۱۱۹).

سخنان علامه مرحوم سلطان الواعظین شیرازی در کتاب «شب‌های پیشاور» پیرامون قمه‌زنی:
متأسفانه بعضی طرفداران قمه‌زنی تا هنگامی از علما سخن می‌گویند که ایشان طبق نظر آن‌ها سخن بگویند، اما هنگامی که عالمی مخالف آن‌ها سخن بگوید اگر به او تهمت وهابی‌گری و... نزنند لاقلاً سخنانش را به هیچ هم حساب نمی‌کنند. به‌طور مثال همین سخنان عالم بزرگوار مرحوم سلطان الواعظین شیرازی، که هرچند این طیف در جاهای دیگر بسیار از او دم می‌زنند، اما باین حال بعضی سخنان این عالم حق‌گو برای ایشان ارزشی ندارد. مرحوم سلطان الواعظین شیرازی در کتاب «شب‌های پیشاور» پیرامون قمه‌زنی می‌نویسد: برطبق نظر عقلا و همچنین از لحاظ منطقی، در مورد عقاید هر قوم و ملتی باید از روی اسناد و کتب علمای آن‌ها بحث کرد. اگر شما یک کتاب از کتاب‌های علما و فقها و مراجع تقلید شیعیان نشان دادید که به سیخ‌زدن و قفل و قمه و قداره‌زدن و حمله قاسم ساختن و ... دستور داده باشند و از ائمه هدی و پیشوایان دین و مذهب در این موضوعات، خبری نقل کرده من تسلیم می‌شوم. حال آنکه در دستورات شرعی و رساله‌های مراجع تقلید برای حفظ تن و بدن موازینی معین گردیده [است]. کتاب‌های فقهی و رساله‌های علما و فقهای شیعه در دسترس عموم است (از قبیل شرح لمعه و شرایع و رساله‌های علمیه مانند جامع عباسی و مجمع‌الرسائل و عروة الوثقی مرحوم آیت‌الله یزدی و وسیلة‌التجات مرحوم آیت‌الله اصفهانی و ترجمه‌های آن‌ها) را مطالعه کنید و ببینید در مذهب شیعه برای حفظ تن و بدن چه احکامی مقرر آمده و به صراحت می‌گوید که واجب‌تر از هر واجبی، حفظ تن و بدن آدمی است و هر عملی که موجب ضرر تن و بدن شود، حرام می‌شود. حتی در اعمال واجبه مانند وضو و غسل و روزه و حج و غیر آن‌ها که ابواب مفصلی در فقه جعفری دارد گاهی ساقط می‌شود. مثلاً در وضو و اغسال واجبه و مستحبه که مقدمه طهارت است اگر مسلمان بداند در عمل کردن آن‌ها ضرر به عضوی از اعضای بدن می‌رساند و لو احتمال درد استخوان و غیره بدهد که باعث خوف شود با شرایط وارده ساقط می‌شود. یکی از موارد جواز تیمم، خوف ضرر استعمال آب است، به سبب مرض یا درد چشم یا ورم اعضاء یا جراحت و امثال آن‌ها که بترسد از استعمال آب، یا متألم شود. فقه جعفری اجازه نمی‌دهد به‌طور عمد بدون دلیل شرعی، حتی سوزنی به تن و بدن فرو کنند یا ناخن را به‌طور عمد طوری بگیرند که

❖ سال شانزدهم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۹۴

خون ظاهر شود. فقه جعفری حتی اجازه نمی‌دهد در مصائب وارده مو بکنند یا صورت بخراشد و یا خود را طوری بزنند که بدن را کبود نمایند و اگر هر یک از این اعمال را بنماید، گناه کرده و باید استغفار نموده و کفاره بدهند... حال بیایند و عکس بیاندازند که مرد عامی (خرافی و بر خلاف دستور شرع و مذهب حقه جعفری) تمام بدنش را سیخ و میخ و قمه و قداره و کارد و قفل زده و یا مردانی لباس زنان پوشیده یا خود را شبیه آنان درآورده و وارد حجله و غیره شود و بگوید که اینها دستور مذهب شیعه است. اعمال مردمان عامی، خرافی و جاهل را به حساب مذهب جعفری آوردن و از دلائل بطلان مذهب قرار دادن، که مردمان بی‌خبر گمان کنند واقعا امامان شیعه امر به چنین اعمال زشتی نموده‌اند، جنایت بزرگی است. بسیاری از اعمال زشت و خرافی در مردمان عامی بر طبق قوانین قومی جاری است که مبنای اساسی ندارد، نمی‌توان آن اعمال را دلیل بر خرابی و فساد اصل مذهب قرار داد (شیرازی، ۱۳۶۴: ۵۹-۵۸).

حضرت آیت‌الله اراکی

«دستور ولی امر مسلمین مبنی بر جلوگیری از اعمال خرافی در عزاداری محرم لازم الاطاعه است.» پس از سخنان حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در ضرورت جلوگیری از اعمال خلاف شرع و بدعت‌آمیز نظیر قمه‌زنی و ... در ایام عزاداری سالار شهیدان در سال ۱۳۷۳، در همان سال و قبل از رحلت حضرت آیت‌الله العظمی اراکی (قدس سره)، طی تماس با دفتر ایشان نظر آن بزرگوار را پیرامون موضوع فوق جویا شدیم که این دفتر اعلام کرد: بنا به نظر حضرت آیت‌الله العظمی اراکی، دستور ولی امر مسلمین جهان مبنی بر جایز نبودن این اعمال برای همه لازم‌الاطاعه و قابل اجراست. این دفتر همچنین افزود: پیروی از سخنان ایشان در مورد این گونه اعمال خرافی که موجب وهن دین و مذهب و بهره‌برداری سوء دشمنان اسلام می‌شود بنا به اعلام ولی امر مسلمین که آگاه به مصلحت اسلام و کشور هستند لازم و ضروری است (مسائلی، ۱۳۸۶، ۱۶۹).

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

برادران و خواهران ایمانی باید خلوص این مراسم را از اموری که مخالف شرع اسلام و دستورهای پیشوایان بزرگ دین ست حفظ کنند و از هر کاری که بهانه به دست دشمنان می‌دهد بپرهیزند و نیز از اعمالی مانند قمه‌زدن و قفل در تن کردن و امثال آن که رهبر معظم انقلاب در بیانات پربار خود به آن اشاره کردند اجتناب جویند.

زیرا این اعمال دست‌آویزی به دست دشمنان خواهد داد تا کل این مراسم عظیم و سازنده را

قمه‌زنی؛ عزاداری یا خرافه؟ ❖ ۲۰۹

❖ سال شانزدهم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۹۴

زیر سؤال برند، قمه را باید بر سر دشمن کوبید نه بر سر دوست، قفل را باید بر دهان دشمن زد، نه بر تن دوست، درست است که انگیزه این افراد عشق به امام حسین (علیه السلام) و مکتب اوست، ولی باید توجه داشت که مقدس بودن انگیزه به تنهایی کافی نیست باید نفس عمل هم مقدس باشد، کیفیت عزاداری یا باید در نصوص اسلامی وارد شده باشد و یا مشمول عمومات و اطلاعات ادله گردد، و این‌گونه کارها مسلماً نه منصوص است و نه مصداق عزاداری در عرف عقلا و اهل شرع، به‌علاوه مواعی نیز از نظر شرع در برابر آن قرار دارد، و به تعبیر دیگر نه مقتضی شمول عمومات موجود است و نه مانع مفقود.

درست است که جمعی از بزرگان فقهای پیشین (قدس الله اسرارهم) اجازه بعضی از این امور را در عصر خود به دلایل خاصی داده‌اند، ولی آن‌ها هم اگر در عصر ما و شرایط زمان ما بودند به یقین طور دیگری فتوی می‌دادند. (مسائلی، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

حضرت آیت‌الله محمد مؤمن

اطاعت احکام ولی فقیه واجب است (مسائلی، ۱۳۸۶: ۲۰۹).

حضرت آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی

مسلمانان باید توجه داشته باشند که زمان و شرایط آن، در همه مسائل و رویدادهای فردی، اخلاقی، اجتماعی، دینی و مذهبی دارای نقش است و باید دانست که امروزه زمان و شرایط آن با زمان‌های پیشین متفاوت است، زیرا که امروزه دشمنان اسلام به‌ویژه استکبار جهانی رخدادهای بحران‌زا و پیدایش جریان‌های جدیدی را در صحنه‌های بین‌المللی برای مقابله با دین مبین اسلام و حکومت اسلامی می‌بینیم که در زمان‌های پیشین بدین وسعت و گستردگی نبوده است. این واقعیت ما را بر آن می‌دارد تا حساسیت بیشتری با مسائل خرافی و ناپسند که از طرف شرع دلیلی (نه قولی و نه فعلی) بر مباح بودن آن وجود ندارد، داشته و با آن برخورد کنیم تا دشمنان نتوانند با تلاش‌های شیطانی، چهره نورانی تشیع را لکه‌دار نمایند.

از انجام این کارهای ناشایست، وهن‌آور، نسنجیده و خرافی که در میانی فقهی و پایه‌های شناخت احکام شرعی ریشه ندارد و موجب لکه‌دار شدن چهره برجسته و درخشان دین و تشیع است، پرهیز شود. امید است سوگواران عزیز با کارهای خلاف و ناپسند، خاطر رهبر آگاه و دوراندیش را آزرده و مکدر نسازند (مسائلی، ۱۳۸۶، ۲۲۷).

آیت‌الله صافی گلپایگانی

در موردی که موجب وهن مذهب شود از آن خودداری شود (مسائلی، ۱۳۸۶: ۱۸۶).
چون مقاله گنجایش نقل کلمات و فتاوی بیشتر را ندارد تنها به آوردن نام بزرگانی از عرصه فقه و فقاہت بسنده می‌کنیم که همه آن‌ها در این زمینه قمه‌زنی را حرام می‌دانند.

آیات عظام و فقهای اعلام آقایان

حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا جواد تبریزی، حسین نوری همدانی، عبدالله جوادی آملی، علی مشکینی، حسین مظاهری، فاضل لنکرانی، اسماعیل صالحی مازندرانی، حسین راستی کاشانی، محمد ابراهیم امینی، محمد علی شرعی، سیدحسن طاهری، سید جعفر کریمی، سید محسن خرازی، عباس محفوظی، محسن حرم پناهی، محمد یزدی، حسن تهرانی، احمد آذری قمی، سید محمد ابطحی، مهدی حسینی روحانی، رضا استادی، احمدی میانجی، مسلم ملکوتی، مرتضی مقتدایی، محمدی گیلانی، سید حسین موسوی تبریزی، سیدعلی سیستانی، سیدابوالقاسم خویی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، علامه امین عاملی مرتضی مطهری، محمد تقی بهجت، محسن قرائتی، سید کاظم حائری، ابوالقاسم خزعلی، علی اکبر مسعودی، احمد جنتی، سید محمد حسین فضل الله، سید مرتضی عسگری، سید عبدالله فاطمی نیا^۱

آثار و انعکاس‌های بهداشتی و فرهنگی قمه‌زنی در عصر ارتباطات، عصر ماهواره،

اینترنت و موبایل

عوارض بهداشتی قمه‌زنی

قمه‌زنی می‌تواند از لحاظ بهداشت روانی تأثیرات مخربی روی فرد و جامعه داشته باشد. مهدی مسائلی در کتاب قمه‌زنی، سنت یا بدعت؟ اینگونه بحث عوارض بهداشتی قمه‌زنی را بیان می‌کند:
دکتر حسین ملک افضلی استاد دانشگاه تهران می‌گوید: «باتوجه به اینکه پوست سر دارای گردش خون خوبی است، حتی جراحات کوچک آن‌هم می‌تواند خونریزی فراوانی به همراه داشته باشد.^۲ وی سپس خون‌ریزی، ایجاد جوشگاه ناهنجار (محل ترمیم زخم بدشکل) عفونت موضعی و قطع شدن

۱. برای مشاهده دست‌خط و فتوای این علما می‌توان به کتاب‌های «دست پنهان» و «قمه‌زنی سنت یا بدعت؟» مراجعه کرد.

۲. تا کنون نمونه‌های متعددی از فوت افراد قمه زن در اثر خون‌ریزی زیاد در شهرهای مختلف ایران یا سایر کشورها همچون عراق، بحرین و پاکستان مشاهده شده است. از مشهورترین نمونه‌های آن فوت فردی بحرینی به نام «عبدالنبی عباس احمد بورنکس» ۳۸ ساله بود که در سال ۲۰۰۱م طبق شهادت دکتر ابراهیم محمد سلیم، در اثر قمه زنی و خونریزی به وجود آمده از آن در گذشت.

برخی عروق و اعصاب را از جمله عوارض فردی قمه‌زنی ذکر می‌کند و می‌افزاید:

«احتمال بروز شوک ناشی از کم شدن حجم خون (به دلیل خونریزی شدید) احتمال بروز آنمی (کم خونی) احتمال انتقال عفونت از بیرون جمجمه به درون آن و بروز عفونت‌های خطرناکی همچون مننژیت، احتمال بروز کزاز و احتمال آلوده بودن قمه مورد استفاده و انتقال بیماری‌های عفونی خطرناکی همچون هپاتیت B و حتی در موارد نادری بیماری هاری وجود دارد» همچنین می‌نویسد:

«عده‌ای از متخصصان مغز و اعصاب نیز بر این عقیده‌اند که قمه‌زنی خطر ابتلا به عفونت‌های پوست و عفونت‌های استخوانی را در بر دارد و ممکن است عفونت‌های عمقی ناشی از قمه‌زنی کانون های چرکی داخل نسج مغز موسوم به آبسه را ایجاد کند. آنان همچنین شکستگی استخوان‌های جمجمه و فرورفتگی آن، پارگی سیستم وریدی مغز و مرگ سلولی را در قمه‌زنان محتمل می‌دانند.» (مسائلی، ۱۳۸۶: ۷۰).

«اصولا در اثر ضربات نوک تیز که به مغز وارد می‌شود چون این نواحی دارای مو هستند، ممکن است با اصابت اجسام نوک تیز، مو و اجسام خارجی به داخل راه پیدا کنند که این خطر عفونت را چند برابر می‌کند و ممکن است این مسئله از چشم پزشک هم مخفی بماند، یعنی نگاه ظاهری در زخم این بیماران ممکن است مشکلات را چندان هویدا نکند ولی ممکن است بیمار با یک مدت زمان تأخیری علائم عفونی پیدا کند» (همان: ۷۲).

نگاهی به انعکاس‌های قمه‌زنی در فیلم‌ها و برخی سایت‌ها^۱:

فیلم فتنه^۲ عنوان فیلمی است که به ظاهر، یکی از نمایندگان مجلس هلند به نام گریت ویلدرز^۳ آن‌را تهیه کرده است. این فیلم، در تاریخ هشتم فروردین ۱۳۸۷ (۲۷ مارس ۲۰۰۸) از طریق سایت لیولیک^۴ به دو زبان انگلیسی و هلندی بر روی اینترنت منتشر شد. هرچند این سایت، تنها دو روز بعد، به دلیل اعتراضات گسترده، مجبور به حذف فیلم از روی سایت خود شد؛ باوجود این نسخه هلندی در ۲ ساعت، یک میلیون و ششصد هزار بار؛ و نسخه انگلیسی نیز در مدت ۵ ساعت، یک میلیون و دویست هزار بار مشاهده شده است. در این فیلم که تنها با هدف

۱. این قسمت از کتاب دست پنهان (نگاهی به تاریخچه و مبانی فقهی و بازتاب‌های قمه‌زنی در افکار عمومی و رسانه‌های بین‌المللی) صفحه ۱۱۶-۱۳۲ نقل شده است.

2. Fitna

3. Greet Wilders

4. liveleak

مخدوش کردن چهره اسلام در افکار عمومی جهان ساخته شده است، بسیاری از اتفاقات و کشتارهایی که در جهان انجام گرفته است، به گردن مسلمانان انداخته شده است. در این فیلم ریشه تمام خشونت‌هایی که به مسلمانان نسبت داده می‌شود را قرآن دانسته و به بیننده این‌طور القا می‌کند که اگر می‌خواهند خشونت از دنیا ریشه کن شود، باید قرآن از بین برود؛ همان‌طور که فیلم، با صدای پاره شدن صفحات قرآن با پایان می‌رسد.

اعتراضات گسترده مسلمانان به این فیلم ضداسلامی و قرآن ستیز، در سراسر جهان، به صورت تجمعات و تظاهرات دینی و تهیه طومارهای اینترنتی تا ماه‌ها پس از آن ادامه یافت؛ تا آنجا که سران اتحادیه اروپا نیز برای حفظ موقعیت خود در جهان، احساس خطر کرده و آن را به تصمیم‌گیری درباره شیوه موضع‌گیری در قبال آن، به‌نحوی که منجر به خشم بیشتر مسلمانان نگردد، وادار کرد. تنها نکته منفی‌ای که سازندگان این فیلم توانسته‌اند به شیعیان، در اثبات مدعای خود و معرفی چهره‌ای خشن از اسلام شیعی استفاده کنند، صحنه‌های دلخراش قمه‌زنی در مراسم عزاداری است.

یکی از فعال‌ترین سایت‌های تبلیغی مسیحیت، پایگاه www.jusus-is-savior.com (به معنی: مسیحیت، نجات بخش است) است. این سایت در بخش «ادیان دروغین»، به معرفی تشیع می‌پردازد. برخی از متن‌های مربوط به تصاویر قمه‌زنی در این سایت به این شرح است:

لیبک! لیبک! خداوند دوست دارد والدینی را که خردمندانه سر بچه‌های خود را با تیغ براق می‌شکافند! این است روش شیعه! چه دین ارزشمندی! این شیعیان را دوست داشته باشید! خدای مسلمانان مهربان است!

شکافتن فرق سر بچه‌ها: این تصویر، بیانگر اوج تمدن مادران مسلمان است که با خنجر، فرق سر کودکان خود را می‌شکافند! باشد که امام حسین پاداش آن‌ها را بدهد!

بچه‌های وحشت‌زده! به‌صورت بچه‌ها نگاه کنید؛ ظریف‌تر از آن است که به دست مادران تحصیلکرده، فرهیخته و متمدن بریده شود! در آینده چه بر سر این کودکان خواهد آمد؟! آن‌ها بزرگ خواهند شد تا جزو بمب‌گذاران متعصب انتحاری شوند؛ این، آن چیزی است که برای آن‌ها اتفاق خواهد افتاد!

شیوه انجام وظیفه والدین شیعه! به‌صورت آن بچه نگاه کنید؛ اون نمی‌تونه صبر کنه تا سرش به دو قسمت شکافته بشه! این، نمونه‌ای از مدل تربیتی والدین بین مسلمانان است که از سوی شیعیان هند ارائه شده است! من عشق خدا را در چشمان این کودک می‌بینم؛ شما نمی‌بینید؟

مسلمانان شیعه چطور با بچه‌هایشان رفتار می‌کنند! یک مسلمان شیعه لبنانی، پسر وحشت‌زده‌اش را گرفته است و با پسرک، مثل یک بزرگسال متعصب دینی برخورد می‌کند. در روز عاشورا سرش را با یک تیغ برنده، شکاف سریعی می‌دهد. خون به ضربه‌ای که جراحی ایجاد می‌کند، بر سر و روی کودک پاشیده می‌شود. در کنار این متن عکسی از رفتار محبت‌آمیز حیوانات با فرزندانشان نمایش داده شده است و متن آن این است «حیوانات چطور با بچه‌هایشان رفتار می‌کنند».

در سایت ضد شیعی «الفرقان» که وهابیون آن را اداره می‌کنند، با نمایش صحنه‌های خشن از قمه‌زنی، این عمل را به منزله شعائر شیعیان در روز عاشورا معرفی کرده و از این طریق، مذهب شیعه را زیر سؤال می‌برد.

از دیگر سایت‌های فعال بر ضد مکتب تشیع «طریق‌الاسلام»^۱ است. در این پایگاه اینترنتی، صفحه‌ای به ماه محرم، با عنوان «ماه محرم، بین تبعیت و بدعت» اختصاص داده شده است. این سایت، سنت عزاداری شیعیان را به مثابه یک «بدعت» در اسلام معرفی کرده و با نشان دادن صحنه‌هایی از عزاداری غیر منطقی شیعیان، تأیید هر انسان بی‌اطلاعی را بر می‌انگیزاند.

^۱ Islamway

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- اکبرنژاد، محمدتقی (۱۳۸۵). *از شور تا شعور حسینی، قمه زنی حقیقت یا افسانه*، قم: صفحه نگار، چاپ اول.
- امین، سید محسن (۱۳۷۱). *عزاداری های نامشروع*، ترجمه: جلال آل احمد، بوشهر: شروه، چاپ دوم.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۹). *قواعد فقه قاعده لاضرر*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- پیشوائی، مهدی (۱۳۹۲). *مقتل جامع سیدالشهداء (ع)*، به اهتمام جمعی از تاریخ پژوهان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۱). *اجوبه الاستفتائات*، تهران: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین المللی الهدی.
- رحیمیان، محمد حسن (۱۳۷۱). *در سایه آفتاب*، قم: مؤسسه پاسدار اسلام، چاپ دوم.
- شیرازی، سلطان الواعظین (۱۳۶۴). *شبهای پیشاور*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و یکم.
- طبرسی (۱۴۱۱). بیروت: *مشکاه الانوار فی غرر الاخبار*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۴ق). *مجمع البحرین*، تحقیق مؤسسه بعثت، قم: مؤسسه بعثت، چاپ اول.
- طوسی، ابن جعفر (۱۳۷۶). *تهذیب الاحکام*، تهران: تصحیح علی اکبر غفاری، نشر صدوق، چاپ اول.
- مسائلی، مهدی (۱۳۸۶). *قمه زنی سنت یا بدعت؟*، اصفهان: گلبن، چاپ ششم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). *جاذبه و دافعه علی (ع)*، انتشارات صدرا، تهران، چاپ بیست و دوم.
- عاملی، شیخ حر (۱۳۷۳). *وسائل الشیعه*، تهران: المکتبه الاسلامیه، چاپ هشتم.
- عاملی، شیخ حر (۱۴۰۳). *وسائل الشیعه*، بیروت: احیاء التراث العربی.
- غریفی، سید محمود (۱۴۱۵). *الشعائر الحسینیة بین الوعي و الخرافه*، بحرین: مکتبه الفجر الجدید، الطبعة الاولى.
- فاضل لنکرانی، محمد، *جامع المسائل*، قم: امیرالعلم، چاپ دهم، ۱۳۸۰.
- قمی، شیخ عباس، *منتهی الامال*، قم: هجرت، ج ۱، چاپ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا). *اصول کافی*، با ترجمه مصطفوی، تهران: علمیه اسلامیه.
- مؤسسه فرهنگی فخرالائمه، *دست پنهان*، بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۷، چاپ ششم.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۵). *استفتائات*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
- محمدی ری شهری (۱۳۶۷). *میزان الحکمه*، تهران: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق). *القواعد الفقهیه*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، چاپ اول.